

منطقه تقسیم شده و چالشهای ناشی از آن بر تحدید حدود مرزهای دریایی ایران در شمال خلیج فارس

دکتر عمران راستی* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه بیرجند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۰

چکیده

رأس شمالی خلیج فارس، از جمله پهنه‌های دریایی در جهان است که تحدید حدود مرزهای دریایی و فلات قاره آن تاکنون تحت تأثیر دلایل و عوامل مختلف سیاسی، جغرافیایی، ژئوپلیتیکی، اقتصادی، فنی و حقوقی به سرانجام نرسیده است که مرز فلات قاره ایران و کویت از آن جمله است. در این میان پدیده سیاسی - فضایی «منطقه بی طرف/تقسیم شده» بین کویت و عربستان به عنوان یکی از موارد حضور و عملکرد بریتانیا در مرزبندیهای خاورمیانه، از جمله پدیده‌هایی است که تأثیرات خاص خود را بر فرایند تحدید حدود مرزهای دریایی خلیج فارس داشته است. منطقه بی طرف طی توافقنامه ۱۹۶۵ و توافقنامه تکمیلی آن در ۱۹۶۹ بین عربستان و کویت تقسیم گردید. به علاوه دو کشور عربستان و کویت در سال ۲۰۰۰ میلادی توافقنامه‌ای به امضا رساندند که مورد اعتراض ایران قرار گرفت. طی این توافق، دو کشور به اختلافاتشان بر سر مالکیت جزایر قاروه و ام‌المرادیم پایان دادند و مرز دریایی خود و همچنین حدود شمالی و جنوبی «محدوده توسعه مشترک» را در ورای دریای سرزمینی منطقه تقسیم شده تعیین و تحدید نمودند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد، توافقنامه‌ها، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به بررسی تأثیرات این پدیده سیاسی - فضایی بر فرایند تحدید حدود مرزهای دریایی در ضلع شمالی خلیج فارس پرداخته است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که مواد توافقنامه‌های مربوط به تقسیم منطقه بی طرف و تعیین مرز دریایی نه تنها موانع موجود بر سر افراز مرز فلات قاره ایران و کویت و ایران و منطقه مزبور را مرتفع نساخته است بلکه بر پیچیده‌تر شدن آن نیز افزوده است. بنابراین مسئله تحدید حدود مرزهای دریایی و فلات قاره در شمال خلیج فارس علاوه بر موارد اختلافی قبلی از جمله اختلاف بر سر منابع نفتی و گازی، عدم پذیرش خطوط مبدأ و استفاده از برخی جزایر در ترسیم خط مبدأ، با پیچیدگی‌ها و اختلافات جدیدی از جمله توافق کویت و عربستان بر

* E-mail: orasti@birjand.ac.ir

سر بهره‌برداری مشترک از منابع بستر منطقه تقسیم شده مواجه شده است. در حال حاضر اگرچه ایران و دو کشور مقابل، اعتراضاتی نسبت به عملکرد همدیگر در این منطقه دارند و مواضع آنها در زمینه تحدید حدود مرز منطقه بی طرف یکسان نیست، اما طرفین بر حل و فصل این مسائل از طریق مذاکره و توافق تأکید دارند و می‌توان گفت ابزار دیپلماسی، تفاهم و همکاری کارآمدتر از آن است که نتواند گره‌های پیچیده و دشوار را بگشاید.

واژه‌های کلیدی: قلمروسازی، منطقه بی طرف / تقسیم شده، مرزهای دریایی، خلیج فارس، ایران، کویت.

۱- مقدمه

مرزهای دریایی در مقایسه با مرزهای خشکی، جوان و جدید و محصولی از فرایندهای قلمروسازی قرن بیستمی قلمداد می‌شوند. تلاشهای بین‌المللی در زمینه قاعده‌مند نمودن ادعای حاکمیتی کشورهای ساحلی، اعلامیه ترومن در زمینه حق مالکیت و بهره‌برداری کشورهای ساحلی از منابع فلات قاره، بستر و زمینه را برای فرایند تحدید حدود مرزهای دریایی و فلات قاره فراهم ساختند. بیشتر تحدید حدود مرزهای دریایی پس از جنگ جهانی دوم و زمانی که تلاش برای استخراج و بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی در خارج از خاک کشورها به‌طور مداوم رو به گسترش بود، آغاز شد در مدت نیم قرن از سال ۱۹۵۰، بیش از یک‌سوم مرزهای دریایی قابل ترسیم و تحدید (تعداد ۱۶۰ توافقنامه مرز دریایی، ۳۷ درصد از کل مرزهای دریایی) مورد توافق قرار گرفته‌اند که با توجه به میانگین تقریبی سه توافقنامه در هر سال روند نسبتاً کندی به‌نظر می‌رسد اوج عقد این توافقنامه‌های مرزی در دهه ۱۹۷۰ و هم‌زمان با سومین کنفرانس سازمان ملل در زمینه حقوق دریاها بود (Blake, 2004). در پی این تحولات و در همین راستا کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز اقدامات خود را از اواخر دهه ۱۹۵۰ و بخصوص دهه ۱۹۶۰ نسبت به تحدید حدود مرزهای فلات قاره آغاز کردند و این اقدامات و تلاشها به تعیین و تحدید چندین قطعه از مرزهای فلات قاره در خلیج فارس در فاصله دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ انجامید. فرایند تحدید حدود در فاصله دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به دلایل مختلف سیاسی، امنیتی، ژئوپلیتیکی و اختلافات سرزمینی و ادعاهای حاکمیتی عملاً متوقف بود. از ابتدای قرن بیست و یکم تاکنون (۲۰۱۷ م) اگرچه سه مرز دریایی در پهنه خلیج فارس مورد توافق قرار گرفته‌اند اما دو مورد از این مرزها مورد اعتراض کشور ثالث قرار گرفته‌اند و یک مورد بین قطر و بحرین

نیز نتیجه رأی دیوان بین‌المللی دادگستری بوده است.

تحدید حدود مرزهای دریایی و فلات قاره در دو قسمت رأس خلیج فارس (شمال مدار ۲۸ درجه) و بخش جنوبی متصل به تنگه هرمز بنا به دلایل و اختلافات متعدد صورت نگرفته است. در منطقه رأس خلیج فارس هنوز مرزهای دریایی و فلات قاره بین ایران از یک سو و عراق و کویت و منطقه بی‌طرف از سوی دیگر و همچنین مرز دریایی بین عراق و کویت تعیین و تحدید نشده‌اند و تنها در سال ۲۰۰۰ دو کشور عربستان و کویت مرز دریایی خود را در روبروی منطقه تقسیم شده تعیین و تحدید کرده‌اند که مورد اعتراض جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. عوامل مختلفی در عدم توافق و تحدید حدود مرزهای فلات قاره در این منطقه نقش داشته‌اند که از جمله آنها می‌توان به وجود پدیده سیاسی - فضایی منطقه بی‌طرف / تقسیم شده و مسائل مبتلا به آن از جمله اختلاف بر سر مالکیت بر جزایر روبروی این منطقه اشاره کرد. پژوهش حاضر در پی آن است که تأثیرات پدیده سیاسی - فضایی منطقه بی‌طرف / تقسیم شده را بر فرایند قلمروسازی در رأس خلیج فارس و تحدید حدود مرزهای دریایی و فلات قاره در این منطقه بخصوص با تأکید بر مرزهای فلات قاره ایران مورد بررسی قرار دهد.

۲- پیشینه تحقیق

منابع مربوط به پیشینه این تحقیق را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد گروه اول شامل منابعی می‌شوند که به قلمروسازی در دریاها پرداخته‌اند. دسته دیگر شامل منابعی هستند که به قلمروسازی در خلیج فارس و تحدید حدود مرزهای دریایی در آن مربوط می‌باشند و بالاخره سومین گروه از پژوهشها، شامل منابعی می‌شوند که به‌طور خاص به منطقه بی‌طرف / تقسیم شده بین کویت و عربستان پرداخته‌اند.

پاندز (۱۹۶۳) و گلاسز (۱۹۶۷) در کتابهای جغرافیای سیاسی خود بخشی را به موضوع دریای سرزمینی و جغرافیای سیاسی دریاها اختصاص دادند. در زمینه قلمروسازی در دریا بخصوص از منظر جغرافیای سیاسی پرسکات، ریچارد اسکافیلد، کلیو اسکافیلد و جرال د بلیک بیشترین مطالعات را انجام داده‌اند. از مهمترین مطالعات مربوط به این دسته از آثار می‌توان

به (Pounds, 1963)؛ (Glassner & deBlij, 1973) (Mirheydar, 1976) (Lewis, 1986)؛ (Blake, 1994)؛ (Prescott & Schofield, 2005)؛ (Blake, 2004)؛ (Miyoshi, 1999) و در زبان فارسی به (Mirheydar, 1986)؛ (Pishgahifard, 2005)؛ (Mirheydar, Gholami,)؛ (Lacoste, 1988)، از (Mirahmadi, 2014) اشاره کرد. در این دسته از آثار برخی مانند (Lacoste, 1988)، از منظری ژئوپلیتیکی به اهمیت قلمروسازی در دریاها پرداخته‌اند و در زمینه قلمروسازی در دریاها از منظر حقوق بین‌الملل نیز مطالعات متعددی صورت گرفته که از مهمترین آنها می‌توان به (Churchill & Lowe, 2005) اشاره کرد.

در مورد تحدید حدود مرزهای فلات قاره در خلیج فارس مطالعات متعددی به انجام رسیده است ولی از آنجا که فرایند قلمروسازی و تحدید حدود، فرایندی پویا و در تحول است بسیاری از منابع صرفاً به بررسی برخی از مرزهای دریایی تحدید حدود شده تا زمان نشر کتاب و مقاله‌شان پرداخته‌اند و برخی از این منابع علی‌رغم جدید بودن به فرایندهای جدید قلمروسازی در خلیج فارس نپرداخته‌اند. (مهمترین منابعی که به مسئله تحدید حدود مرزهای دریایی و فلات قاره در خلیج فارس پرداخته‌اند به ترتیب تاریخ نشر عبارتند از: (Momtaz, 1990)؛ (Drysdle & Blake, 1994)؛ (Alshaikh, 2001)؛ (Hafeznia, 2002)؛ (Al-Ulama, 1994)؛ (Mojtahed-zadeh, 2003)؛ (Mirheydar & Asgari, 2004)؛ (Asgari, 2005)؛ (Mirheydar, Rasti, Soltani, Amiri, & Eltiami Nia, 2007)؛ (Nami, 2007)؛ (Dehghani, 2009)؛ (Mojtahed-zadeh, 2010)؛ (Rasti, O, Moradi, E, Ashrafi, A)؛ (Hafeznia & Rabiee, 2012a)؛ (& Eltiaminia, 2012)؛ (2012b)؛ (Marzoq, 2013)؛ (Jafari Voldani, 2015)؛ (Jafari Voldani, 2016)؛ (Mojtahed-zadeh, Ali-Reza. Niknejad & Salarian, 2014)؛ (Momtaz, 2015).

اولین مطالعات در زمینه منطقه بی‌طرف / تقسیم شده بین عربستان و کویت به مطالعات ملامید^۱ (۱۹۵۵) بر می‌گردد. ملامید در این مطالعه به منطقه بی‌طرف کویت و عربستان و وضعیت منحصر به فرد آن و چگونگی اعمال حاکمیت دو کشور بر این منطقه در قبل از توافق تقسیم (۱۹۶۵)

1- Melamid

پرداخته است (نگاه کنید به: (Al-Mayyal, 1986) مطالعات دیگر مربوط به براون^۱ (۱۹۶۳) و بلیک در سه مقاله جداگانه (۱۹۹۱)(۱۹۹۲) و (۱۹۹۴) می‌باشد. مطالعات براون بیشتر به نحوه شکل‌گیری منطقه بی‌طرف در اثنای کنوانسیون العقیر (۱۹۲۲) و چگونگی تحمیل این پدیده سیاسی - فضایی در نتیجه عملکرد سیاست و قدرت بر نقشه جغرافیای سیاسی منطقه می‌پردازد و ی خلق این پدیده که به منظور حل اختلاف بین ابن سعود و شیخ‌نشین کویت صورت گرفت را حاصل نقش‌آفرینی و ابتکار سرپرستی کاکس سرکمیسوئر بریتانیا در عراق می‌داند بلیک نیز در مطالعاتش به چگونگی حل و فصل صلح‌آمیز مسائل و اختلافات موجود در مناطق بی‌طرف و مشترک از جمله منطقه بی‌طرف / تقسیم شده عربستان و کویت می‌پردازد و در مورد اختلاف حاکمیتی دو کشور در مورد جزایر قاروه و ام‌المرادیم، حل و فصل صلح‌آمیز آن را در بهره‌برداری مشترک دو کشور از منابع هیدروکربنی مناطق دریایی برون ساحلی منطقه تقسیم شده پیشنهاد می‌کند (Alshaiikh, 2001). المیال (۱۹۸۶) نیز در رساله دکتری خود که به مرزهای سیاسی کشور کویت اختصاص دارد به روند تحولات منطقه بی‌طرف قبل و بعد از تقسیم می‌پردازد.

با این همه مجموع مطالعات صورت گرفته در مورد منطقه بی‌طرف معطوف پیدایش و تحولات این منطقه قبل و بعد از تقسیم می‌باشد و مطالعه‌ای که به‌طور مشخص به تأثیرات این منطقه بر فرایند تحدید حدود مرزهای فلات قاره در خلیج فارس پرداخته باشد، یافت نشد و پژوهش‌های مربوط به قلمروسازی و تحدید حدود در خلیج فارس نیز یا به‌طور کلی به فرایند تحدید حدود مرزهای فلات قاره در خلیج فارس و یا به‌صورت موردی به بررسی یک مرز دریایی خاص پرداخته‌اند.

۳- مبانی نظری

جغرافیای سیاسی دریاها به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی زیرمجموعه جغرافیای سیاسی، در پی تبیین فضا‌سازی‌های سیاست در قلمرو دریاهاست. به‌عبارت دیگر جغرافیای سیاسی دریاها به بررسی عملکرد سیاست و قدرت در تقسیم [و اشتراک] فضای دریاها و تأثیرات [جغرافیا]، فضاها و

1- Brown

مکانهای به وجود آمده بر سیاست دریایی دولت‌ها می‌پردازد (Mirhaydar & Others, 2013). از کاربرد واژه تقسیم فضا در بخش اول تعریف فوق مفاهیم اساسی جغرافیای سیاسی یعنی قلمروسازی، قلمرو و مرز برداشت می‌شود. فرایند قلمروسازی متأثر از عملکرد سیاست و قدرت، در دو جنبه تقسیم و تجمیع فضا در سطح کره زمین و نقشه جغرافیای سیاسی جهان تجلی و عینیت یافته است و از این رهگذر در طول تاریخ واحدهای سیاسی مختلف از جمله امپراتوری‌ها، کشورهای مستقل و واحدهای سیاسی غیرمستقل از جمله مستعمره، تحت‌الحمايه، تحت سرپرستی، سرزمین‌های امانتی، حاکمیت مشترک و مناطق بی‌طرف و آزاد با مرزها و محدوده‌های خاص خود در نقشه جغرافیای سیاسی جهان ظهور یافته‌اند. در دریاها نیز این فرایند به تشکیل قلمروها و مناطق دریایی مختلف، مرزهای دریایی و فلات قاره و محدوده‌های بهره‌برداری مشترک انجامیده است.

نخستین تلاش‌ها در زمینه قلمروسازی در دریا در دوره مدرن با انگیزه دستیابی به منابع خشکی‌ها و با محوریت دو قدرت استعماری آن زمان یعنی پرتغال و اسپانیا صورت گرفت خطوط و محدوده‌های ترسیم شده بر محور نصف‌النهارات توسط پاپ و توافقات توردوسیلاس و زاراگوزا در محدوده اقیانوس اطلس و آرام در این زمره جای می‌گیرند. رویکرد خشکی محور به دریا تا قرن ۱۶ میلادی نیز ادامه یافت. اما در اواخر همین قرن کشورهای با هدف ماهیگیری انحصاری و همچنین تأمین امنیت مدعی حاکمیت بر نوار ساحلی خود شدند نخست دانمارک در سال ۱۵۹۰ مدعی حاکمیت بر هشت مایل نوار ساحلی خود شد و در نیمه قرن هفدهم نیز نروژ و ایسلند مدعی نواری ۲۴ مایلی در طول سواحل خود شدند و انگلیس نیز که قبل بر آن از موضع آزادی دریاها دفاع می‌کرد تغییر موضع داد و مناطقی به طول ۵۰ مایل را تعیین کرد. این اقدامات به تقابل دو رویکرد و نظریه «دریاهای آزاد» و «دریای بسته» در مورد حاکمیت بر دریاها انجامید. بنیانگذار نظریه دریاهای آزاد هوگو گرسیوس^۱ حقوقدان هلندی بود و جان سلدن^۲ انگلیسی از نظریه دریای بسته دفاع می‌کرد. در ادامه وان بینکر شوک^۳ دیدگاهی تلفیقی

1- Hugo Grotius

2- John Selden

3- Van Bynkershoek

از دو رویکرد فوق ارائه کرد وی معتقد بود که می‌توان هم‌زمان «آزادی دریا را برای همه» و «حاکمیت بر دریا را در محدوده‌ای از آبهای ساحلی برای کشورهای ساحلی» قائل بود و از آنجا که هدف طرفداران حاکمیت بر دریا تأمین امنیت و دفاع است می‌توان ملاک تیررس توپ را برای تعیین نوار ساحلی که می‌تواند تحت حاکمیت کشور ساحلی دربیاید تعیین نمود. با این همه عرض این نوار ساحلی هنوز مبهم بود تا وقتی که گالیانی^۱ در سال ۱۷۸۲ عرض این محدوده را ۳ مایل تعیین نمود که مورد توافق اغلب کشورها قرار گرفت و تقریباً عمومیت یافت. با این همه برخی کشورها رویکردی افزون‌طلبانه در پیش گرفتند و مدعی حاکمیت بر محدوده‌های وسیع‌تری شدند (Mirhaydar, 2015).

با فزونی یافتن ادعاهای حاکمیتی کشورهای ساحلی بر دریاها و به‌منظور قاعده‌مند نمودن ادعاهای متعدد و متنوع تلاش‌های بین‌المللی و حقوقی مختلفی صورت گرفت که اولین آن بعد از جنگ جهانی اول توسط جامعه ملل متفق و آخرین و کامل‌ترین آن توسط سازمان ملل با تصویب کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاها (۱۹۸۲) صورت گرفت. در تصویب و تدوین مواد این کنوانسیونها کشورهای مختلف با اهداف و انگیزه‌های متفاوت امنیتی، نظامی، ارتباطی و فراتر از همه انگیزه‌های اقتصادی دخیل بودند. به‌عنوان مثال وجود منابع نفت و گاز و سایر منابع معدنی مثل مس و کلوخه منگنز و غیره که در بستر و زیربستر دریا قرار دارند و همچنین وجود منابع زنده به‌ویژه ماهی و همچنین جریانهای بحری که قابل تبدیل به انرژی هستند موجب شد که قدرتهای بزرگ با داشتن فناوری‌های پیشرفته چشم به قلمروگستری در دریا و اقیانوسها دوخته و قوانین پیشرفته‌ای را در کنوانسیون سوم سازمان ملل (۱۹۸۲) به تصویب برسانند. از این رهگذر کشورهای در حال توسعه نیز که دارای سواحل طولانی هستند و از منابع مهم نفت و گاز فلات قاره برخوردارند بی‌نصیب نمانده و ضمن تعریف و تعیین و تصویب قوانین مربوط به قلمروها و مناطق دریایی خود، به تحدید حدود مرزهای دریایی و فلات قاره خود با کشورهای همسایه مجاور و مقابلشان پرداخته‌اند که کشورهای خلیج فارس از جمله آنان هستند. تعیین و تحدید تمامی قلمروهای دریایی مصرح شده در کنوانسیونهای بین‌المللی حقوق دریاها،

برای همه کشورهای ساحلی بخصوص کشورهایی که در مجاورت دریاهای کم عرض قرار داشتند امکان پذیر نبود بنابراین کشورهای مقابل در این پهنه‌های آبی به دلیل همپوشانی قلمروهای دریایی ناگزیر از توافقات دوجانبه برای تعیین مرزهای دریایی یا فلات قاره خود شدند کشورهای ساحلی خلیج فارس نیز در زمره این قبیل کشورها هستند.

تعیین و تحدید قلمروهای دریایی مطابق قوانین و حقوق بین‌المللی دریاها و همچنین توافق و تحدید حدود مرزهای دریایی بین کشورهای ساحلی مجاور و مقابل را می‌توان نمونه‌ای از فرایند قلمروسازی کشورها در پهنه دریاها دانست که در حوزه مطالعات جغرافیای سیاسی دریاها مورد مطالعه است. قلمروسازی در دریا و همچنین مرزهای دریایی با قلمروهای خشکی و مرزهای خشکی تفاوت‌های آشکاری دارند چرا که کشورها در حوزه قلمرو خشکی خود دارای حاکمیت تام و مطلق و به رسمیت شناخته شده هستند اما در محدوده قلمروهای دریایی سایر کشورها نیز از برخی حقوق از جمله کشتیرانی و... برخوردارند که حقوق و تکالیف کشور ساحلی و سایر کشورها در قوانین بین‌المللی دریاها تعیین و تصویب شده است. در جمع‌بندی از مباحث نظری فوق باید گفت اساس نظری پژوهش حاضر را مفهوم قلمروسازی انسان^۱ تشکیل می‌دهد چرا که از یک طرف به بررسی واحد سیاسی - فضایی منطقه بی‌طرف/تقسیم شده می‌پردازد که محصول قلمروسازی و عملکرد سیاست و قدرت است و از طرف دیگر تأثیرات این منطقه را به‌عنوان یک پدیده سیاسی - فضایی تولید شده بر مسئله تحدید حدود مرزهای دریایی بررسی می‌کند که خود به‌گونه‌ای یک فرایند قلمروسازی قلمداد می‌گردد.

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس محتوا و روش در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی قرار می‌گیرد. روش جمع‌آوری مطالب متنوع و با بهره‌گیری از اسناد دست اول، توافقنامه‌ها، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد. به‌منظور بررسی تأثیرات پدیده سیاسی - فضایی منطقه تقسیم شده/ بی‌طرف سابق و روند تحولات آن، اسناد مربوط به توافقنامه‌ها و تحولات مربوط به این منطقه از سال

۱۹۲۲م (سال تأسیس منطقه بی طرف) تاکنون جمع‌آوری، ترجمه و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- خلیج فارس و فرایند ناتمام تحدید حدود مرزهای دریایی

پیشرفت تکنولوژیهای شناسایی، اکتشاف و بهره‌برداری از منابع کف و اعماق دریا به‌خصوص از سوی قدرتهای بزرگ و صنعتی و اعلامیه معروف ترومن در خصوص منابع فلات قاره کشورهای ساحلی (۱۹۴۵) و متعاقب آن کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو راجع به فلات قاره را می‌توان نقاط عطفی در تحدید حدود مرزهای فلات قاره و مرزهای دریایی دانست. بندهای ۱ و ۲ ماده (۶) کنوانسیون ۱۹۵۸، تعیین مرز فلات قاره را در مورد فلات قاره کشورهای مقابل و مجاور همدیگر بر اساس توافق طرفین و یا خط منصف مقرر نموده است.

از آنجا که خلیج فارس به‌دلیل عمق کم کلاً بر روی یک فلات قاره مشترک قرار دارد، ناچار کشورها هر یک باید به افراز فلات قاره خود اقدام کنند و این فرایند نیمه تمام باقی مانده است (جدول ۱) (در زمینه مرزهای دریایی تحدید شده و تحدید نشده در خلیج فارس نگاه کنید به: (Mirheydar & Asgari, 2004)؛ (Mirheydar et al., 2007)؛ (Nami, 2007)؛ (Dehghani, 2009)؛ (Mojtahed-zadeh, 2010)؛ (Rasti, O, Moradi, E., Ashrafi,)؛ (A & Eltiaminia, 2012). در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس بیشترین مرزهای تعیین و تحدید نشده مربوط به کشورهای امارات با همسایگان در قسمت جنوبی خلیج فارس و از سوی دیگر مربوط به کشورهای کویت، عراق و ایران در منطقه رأس خلیج فارس است (جدول شماره ۱). در این میان پدیده سیاسی - فضایی «منطقه تقسیم شده/ بی طرف سابق» بین کویت و عربستان از جمله پدیده‌هایی است که تأثیرات خاص خود را بر فرایند تحدید حدود مرزهای دریایی و فلات قاره در جغرافیای سیاسی خلیج فارس داشته است.

جدول شماره ۱: مرزهای دریایی و فلات قاره خلیج فارس تا سال ۲۰۱۷م

مرزهای دریایی کشورهای مجاور		مرزهای فلات قاره کشورهای مقابل	
تحدید شده	تحدید نشده*	تحدید شده	تحدید نشده**
عربستان - بحرین ۱۹۵۸	ایران - عراق	ایران - عربستان ۱۹۶۸	ایران - کویت
عربستان - قطر ۱۹۶۵	عراق - کویت	ایران - قطر ۱۹۷۰	ایران - منطقه تقسیم شده
قطر - امارات (ابوظبی) ۱۹۶۹	امارات (رأس الخیمه) - عمان	ایران - بحرین ۱۹۷۲	ایران - امارات ***
کویت - عربستان ۲۰۰۰		ایران - عمان ۱۹۷۵	
قطر - بحرین ۲۰۰۱		ایران - دبی **۱۹۷۵	
قطر - عربستان ۲۰۰۸			
*مرزهای دریایی و فلات قاره تحدید نشده مربوط به دو منطقه رأس خلیج فارس و منطقه متصل به تنگه هرمز در جنوب خلیج فارس است.			
**این مرز در ابوظبی به تصویب قوه مقننه نرسیده است و هنوز رسمیت نیافته است.			
***ایران می‌بایست ۷ قطعه مرز فلات قاره با امارت‌های رأس الخیمه، ام القوین، شارجه دو قطعه، عجمان، دوبی و ابوظبی تعیین و تحدید کند که تاکنون فقط یک قطعه با دوبی تعیین و تحدید شده ولی رسمیت نیافته است.			
***بین امارت‌های ساحلی امارات در خلیج فارس ۶ قطعه مرز دریایی مورد نیاز است که تنها مرز دریایی بین ابوظبی - دوبی تعیین و تحدید شده است. مرزهای تحدید نشده بین امارت‌ها عبارتند از پنج مرز دریایی بین رأس الخیمه - ام القوین، ام القوین - شارجه، شارجه - عجمان، عجمان - شارجه، شارجه - دوبی.			

۲-۵- پیدایش منطقه بی طرف

یکی از ویژگیهای دوره مدرن ظهور استعمار و قدرتهای استعماری و رقابتهای ژئوپلیتیکی بین این قدرتها بوده است. از زمانی که بریتانیا موقعیت استعماری خود را در شبه قاره هند تکمیل و

تثبیت کرد، مناطق اطراف این مستعمره وسیع از جمله منطقه خلیج فارس در نقشه‌های ژئوپلیتیکی بریتانیا و رقبای آن برجسته و تعیین کننده شدند و بریتانیا به‌عنوان بازیگری مهم و تأثیرگذار در تحولات سیاسی و ژئوپلیتیکی این منطقه تبدیل شد (Peterson, 2009). به‌طوری‌که رد پای بریتانیا را در اغلب تحولات جغرافیای سیاسی منطقه از جمله ایجاد و تجزیه کشورها و امپراتوری‌ها، مرزبندی‌ها، ایجاد واحدهای سیاسی- فضایی مختلف از جمله کشورهای جدید و مناطق بی‌طرف می‌توان مشاهده کرد.

بریتانیا از ابتدای قرن ۱۹ پیمانهایی را با اغلب حکام مناطق ساحلی شبه‌جزیره عربستان بسته بود به‌موجب این معاهدات، بریتانیا در کنار دریافت برخی حقوق تجارتي، مسئولیت نظارت بر روابط خارجی این امارت‌ها و همچنین دفاع از آنها را عهده‌دار می‌شد. پیمان بریتانیا با کویت که ابتدا به‌صورت محرمانه بین بریتانیا و شیخ کویت در سال ۱۸۹۹ م منعقد شده بود، در سال ۱۹۶۱ خاتمه یافت (نگاه کنید به (Drysdale & Blake, 1994: 92). قرارداد مزبور که توسط کلنل مید (نماینده بریتانیا در خلیج فارس) با شیخ کویت به امضا رسید، به‌نوعی تحت‌الحمایگی کویت و از طرفی علت وجودی و موجودیت کویت محسوب می‌شد که البته در قرارداد ۱۹۱۳ آنگلو-عثمانیایی و با ترسیم محدوده‌های تحت حاکمیت کویت تحت‌الحمایه بریتانیا، جنبه عینی‌تر و رسمی‌تری یافت. به‌عبارتی موجودیت کشور کویت را باید حاصل عملکرد سیاست و قدرت و تحت تأثیر اندیشه‌ها و رقابت‌های ژئوپلیتیکی جاری در منطقه خلیج فارس در آستانه ورود به جنگ اول جهانی دانست. اقدامات بریتانیا در این دوره زمانی در جهت تحکیم و تثبیت جایگاهش در منطقه خلیج فارس از بیم توسعه و نفوذ روسها از یک‌طرف و بخصوص آلمان‌ها که در اندیشه طراحی خط آهن برلین- بغداد بودند، صورت گرفت (نگاه کنید به: (Anscombe, 2009)؛ (C.R.S.Kuwait, 1997).

محدوده‌های تحت حاکمیتی که برای کویت در قرارداد ۱۹۱۳ م تعیین شد، چندان پایدار نماند چرا که عبدالعزیز بن سعود در ابتدای قرن بیستم توانست جنبش وهابی را تحت سلطه سعودی‌ها در آورد و نجد و حسا را به کنترل خود درآورد و حملاتی را به سرزمینهای شمالی نجد آغاز نمود. در پاسخ به این اقدامات در ۲ دسامبر ۱۹۲۲ م توافقنامه‌ای مرزی به ابتکار و

تحمیل بریتانیا، بین سلطان نجد و کویت در بندر العقیر امضا شد و کمیسر عالی بریتانیا سرپرستی کاکس نقش مهمی در تحمیل آن داشت. این توافقنامه ضمن تعیین مرزهای نجد و کویت، منطقه‌ای را در ساحل غربی خلیج فارس، به مساحت ۵۷۰۰ کیلومتر مربع به‌عنوان منطقه بی‌طرف مشترک بین کویت و نجد (بعدها عربستان) تعیین نمود. و دو دولت از حقوق برابری در این منطقه برخوردار شدند (Prescott, 2005: 504). بنا بر گفته هارولد دیکسون دستیار سر پرسی کاکس، مرزهای تعیین شده در این توافقنامه تا حد زیادی به نفع نجد و به ضرر کویت ترسیم شده بود و کویتی‌ها را از دو سوم قلمروشان محروم ساخت. توافقنامه العقیر^۱ (۱۹۲۲)، صرفاً به حقوق مشترک دو دولت در منطقه بی‌طرف اشاره داشت و در مورد مالکیت جزایری همچون قاروه و المرادیم که در آبهای مقابل منطقه بی‌طرف قرار داشتند و چگونگی بهره‌برداری از دریا و منابع بستر دریای متصل به این منطقه مسکوت بود.

اگرچه این توافقنامه بیان داشت که هر دو کشور از حقوق برابر و مشترکی در منطقه بی‌طرف برخوردار خواهند بود اما دقیقاً این حقوق و چگونگی اعمال آن توسط دو کشور مشخص نبود با این همه این ابهامات در سال ۱۹۲۲ هیچ مشکلی ایجاد نکرد چرا که این منطقه جمعیت قابل توجهی نداشت و تنها قبایلی چادرنشین از دو کشور در آن زندگی می‌کردند. با این همه دو دولت عربستان و انگلیس به نمایندگی از طرف شیخ کویت، به توافقات متعددی برای مدیریت منطقه بی‌طرف رسیدند. به‌عنوان مثال این دو کشور در مورد جابجایی عشایر و کوچ‌نشینان و جابجایی کالا و اجرای عدالت به توافقاتی دست یافتند (Alshaikh, 2001). در این راستا در آوریل ۱۹۴۲ قرارداد استرداد مجرمین بین دو کشور به امضا رسید. در دهه ۱۹۵۰، هنگامی که نفت به‌عنوان یک پدیده اقتصادی جدید به عرصه فضایی-سیاسی منطقه بی‌طرف وارد شد، اوضاع دگرگون شد. چرا که این پدیده چشم‌انداز فضایی منطقه را دگرگون ساخت. ورود شرکت‌های نفتی و جمعیت‌های مربوط به آن اعم از کارگران، مدیران و مهندسان و احداث ابنیه و ساختمان‌های مسکونی و اداری و صنعتی، شهرک‌ها، اماکن رفاهی، مغازه‌ها و... ساختار و

۱- کنفرانس العقیر در حقیقت تعیین مرزهای جدید بین کویت و عراق و عربستان بود و از پیامدهای آن پیدایش دو واحد سیاسی - فضایی بی‌طرف محصور در خشکی (بین عراق و عربستان) و ساحلی (بین کویت و عربستان) بود.

روابط فضایی منطقه را متحول ساخته بود و سازماندهی ساختار و روابط جدید نیازمند مدیریت و هماهنگی بود که مفاد پیمان العقیبر در این خصوص کفایت نمی‌کرد و قوانین جداگانه دو کشور موجبات برخی بی‌نظمی‌ها و عدم هماهنگی را در پی داشت (نگاه کنید به: (Al-Mayyal, 1986) بنابراین بدیهی بود که به مرور زمان پیدایش مسائل و موضوعات جدید وضعیت این منطقه و چگونگی عملکرد دو کشور را در رابطه با این منطقه تحت تأثیر قرار دهد. هر دو کشور کویت و عربستان سعودی به‌طور جداگانه قراردادهایی را با شرکتهای نفتی آمریکایی در قسمتی از منطقه بی‌طرف منعقد کردند. کویت در ژوئن ۱۹۴۸ قرارداد امتیاز نفتی را با شرکت نفتی مستقل آمریکایی^۱ امضا کرد و متعاقب آن در فوریه ۱۹۴۹ عربستان سعودی نیز قرارداد امتیاز نفتی را با شرکت نفتی غرب اقیانوس آرام (که بعدها به گتی^۲ تغییر نام یافت) منعقد نمود (Miyoshi, 1999: 6) دو شرکت فوق در ژوئن ۱۹۵۶ در زمینه عملیات اکتشاف و حفاری مشترک با هم دیگر توافق نمودند و عملیات اجرایی این توافق از سال ۱۹۶۰ آغاز شد. در محدوده برون ساحلی منطقه بی‌طرف نیز ابتدا عربستان در سال ۱۹۵۷ به انعقاد قرارداد با یک کنسرسیوم ژاپنی اقدام نمود و سپس کویت نیز در سال ۱۹۵۸ به انعقاد قرارداد با همان کنسرسیوم در مورد امتیاز نفت منطقه برون ساحلی منطقه بی‌طرف که هنوز تقسیم نشده بود مبادرت ورزید (Ibid, 6-7) بنابراین می‌توان گفت مسائل و موضوعات به وجود آمده در خصوص منطقه بی‌طرف از جمله موضوعات حاکمیتی، مسئله مجرمین و استرداد آنها، و مهمتر از آن مسئله نفت^۳

1- (Amin oil): American independent oil company

2- Getty oil company

۳ - در گزارشی که در (EIA)، در ژوئیه ۲۰۱۳ به نقل از گزارش ژانویه ۲۰۱۳ ژورنال نفت و گاز در مورد کویت منتشر کرده است، ذخایر مربوط به منطقه تقسیم شده که بهره برداری از آن بین کویت و عربستان مشترک است، ۵ میلیارد بشکه برآورد شده است و ذخایر گاز آن نیز یک تریلیون فوت مکعب تخمین زده شده است. وسعت این منطقه در این گزارش ۶۲۰۰ مایل ذکر شده و ظرفیت تولید روزانه ۶۰۰ هزار بشکه در روز عنوان شده که به طور مساوی بین دو کشور تقسیم می‌شود. همچنین ظرفیت تولید میادین برون ساحلی این منطقه نیز ۳۵۰ هزار بشکه در روز است و طرح‌های دوبرابر کردن ظرفیت تولید تا ۷۰۰ هزار بشکه تا سال ۲۰۱۹ در دستور کار است نزدیک به ۹۰ درصد از تولید فعلی از میادین برون ساحلی خفجی صورت می‌گیرد تولید از میادین برون ساحلی منطقه تقسیم شده ۴ برابر گرانتر از میادین اختصاصی کویت می‌باشد (EIA, 2013).

و نحوه بهره‌برداری از منابع، بخصوص با مطرح شدن مسئله منابع فلات قاره با اعلامیه معروف ترومن (۱۹۴۵) و آغاز تلاش کشورهای ساحلی در قانون‌گذاری مربوط به حقوقشان در فلات قاره و شروع فرایند تحدید حدود مرزهای فلات قاره در خلیج فارس از دهه ۱۹۶۰، نقش مهمی در سوق دادن دو کشور کویت و عربستان به سمت تقسیم منطقه بی‌طرف داشته است. بدین ترتیب منطقه بی‌طرف بعد از ۴۳ سال بین دو کشور در سال ۱۹۶۵ تقسیم شد.

۳-۵- تقسیم منطقه بی‌طرف همگام با فرایند تحدید حدود مرزهای فلات قاره خلیج فارس
پس از آنکه ایران در ۱۹ مارس ۱۹۴۹ حقوق خود را در اکتشاف نفت فلات قاره اعلام نمود، کشورهای عرب سواحل جنوب خلیج فارس که عمدتاً تحت‌الحمايه بودند از این نمونه پیروی کردند و هریک بیانیه‌ای شبیه به آن را صادر کردند^۱. بعد از سال (۱۳۳۰/۱۹۵۱) که اولین حوزه نفتی در نزدیکی سواحل عربستان در خلیج فارس کشف شد، عملیات شناسایی، اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی این دریا بسیار افزایش یافت (Momtaz, 1990). در ادامه و منطبق با بندهای ۱ و ۲ ماده (۶) کنوانسیون ۱۹۵۸، که تعیین مرز فلات قاره را در مورد فلات قاره کشورهای مقابل و مجاور همدیگر بر اساس توافق طرفین و یا خط منصف مقرر نموده است. کشورهای ساحلی خلیج فارس نیز در این پهنه آبی کم عرض و کم عمق که تماماً فلات قاره محسوب می‌شود، به تعیین و تحدید مرزهای دریایی و فلات قاره خود اقدام نمودند (نگاه کنید به: جدول ۱).

البته همه تلاش‌های دیپلماتیک برای رسیدن به توافقات دوجانبه در زمینه تحدید حدود مرزهای فلات قاره با موفقیت همراه نبود به‌عنوان مثال دو کشور ایران و کویت از ابتدای دهه ۱۹۶۰ تلاش‌های دیپلماتیک خود را در زمینه تحدید و تعیین مرزهای دریایی خود آغاز کردند. زمینه شروع مذاکرات جدی دو کشور ایران و کویت که از سال ۱۹۶۳ م / ۱۳۴۲ ش و در جریان ملاقات وزرای نفت دو کشور در اثنای اجلاس اوپک در ژنو کلید خورد را باید در ادامه و پیامد

۱- عربستان سعودی در ۲۹ می ۱۹۴۹؛ قطر در ۸ ژوئن ۱۹۴۹؛ ابوظبی در ۱۰ ژوئن ۱۹۴۹؛ کویت در ۱۲ ژوئن ۱۹۴۹؛ دبئی در ۱۴ ژوئن ۱۹۴۹؛ شارجه در ۱۶ ژوئن ۱۹۴۹ و ام‌القوین و عجمان در ۲۰ ژوئن ۱۹۴۹ (Mojtahed-zadeh, 2010: 394-395) به نقل از کتاب اسناد وزارت امور خارجه (۱۳۵۵).

اقداماتی دانست که در سالهای دهه ۱۹۵۰ در ایران صورت گرفت. این اقدامات عبارت بودند از: تصویب «قانون اکتشاف و بهره‌برداری منابع طبیعی فلات قاره ایران» مصوب ۱۳۳۴؛ تصویب قانون نفت مصوب ۱۳۳۶ و متعاقب آن انعقاد قراردادهایی با شرکتهای ایتالیایی و آمریکایی در زمینه نفت محدوده‌هایی از شمال خلیج فارس بود که مورد اعتراض دولت کویت واقع شد. دلیل اعتراض نیز همپوشانی محدوده‌های مورد ادعای دو کشور در اکتشاف و بهره‌برداری توسط شرکتهای مورد قرارداد طرفین بود.

در ملاقات وزرای نفت ایران و کویت در ۱۹۶۳م دو طرف تفاهمات اولیه را در زمینه مطالعه و بررسی مسائل مربوط به تحدید مرز دریایی انجام دادند و در سال ۱۹۶۵ طرح مقدماتی مربوط به فلات قاره ایران و کویت به امضای وزیر خارجه کویت و کاردار سفارت ایران در کویت رسید امضای این توافق چندین دور مذاکره دوجانبه دیگر را تا پایان دهه ۱۹۶۰/۱۳۴۰ به دنبال داشت ولی بنا به دلایلی از جمله: نقش جزایر و ارتفاعات جزری در تعیین خط مبدأ دو طرف، تحدید حدود منطقه بی‌طرف، مسائل سیاسی و دخالت رژیم سابق عراق در امور کویت، به توافق همه‌جانبه و ترسیم مرز دریایی دو کشور منتهی نشد و موافقتنامه نهایی مرز دریایی دو کشور که در سال ۱۳۴۹ بین طرفین تهیه شده بود به سرانجام نرسید (Asgari, 2005).

همراستا با تلاشهای بی‌نتیجه ایران و کویت در زمینه توافق بر سر تعیین مرزهای دریایی و حتی کمی قبل‌تر از آن یعنی از ابتدای دهه ۱۹۶۰، کویت و عربستان مذاکراتشان را برای تعیین تکلیف و تقسیم منطقه بی‌طرف آغاز کرده بودند. بر اساس اسناد معاهدات و توافق نامه‌های سازمان ملل^۱ دو کشور کویت و عربستان سعودی پس از چندین دور مذاکرات دوجانبه که در خلال سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ در جریان بود^۲ و به یادداشت تفاهمات و توافقات ابتدایی انجامیده بود، موافقتنامه تقسیم منطقه بی‌طرف را در تاریخ ۷ ژوئیه ۱۹۶۵ در طایف عربستان به امضا

۱- در آرشیو معاهدات و توافق نامه‌های سازمان ملل که از طریق پرتال آن سازمان قابل دسترسی است دو شماره نخست از هیجده شماره توافقنامه‌های مجلد ۱۷۵۰، در قالب ۱۲۳ صفحه به توافقنامه‌های دو کشور عربستان و کویت در مورد منطقه بی‌طرف اختصاص یافته است.

۲- برای آگاهی از این سری مذاکرات نگاه کنید به: UN, treaty series, 2001, Vol 1750, pp: 2-38

رساندند. این توافقنامه مشتمل بر ۲۳ ماده بود. بر اساس ماده ۲ این توافقنامه پس از تقسیم منطقه بی طرف، بخشی که در شمال خط تقسیم کننده قرار می گیرد به عنوان بخشی از قلمرو کویت و بخشی که در جنوب خط تقسیم کننده قرار می گیرد به عنوان بخشی از قلمرو عربستان به قلمرو اصلی این کشورها منضم خواهد گردید.

بر اساس ماده ۳ این توافقنامه، حقوق انحصاری در زمینه اداره، قانون گذاری و دفاعی به هر یک از دو دولت در قسمت منضم شده به قلمروشان داده شد اما در زمینه بهره برداری از منابع طبیعی در تمام منطقه تقسیم شده، هر دو کشور از حقوق برابر برخوردار شدند و مقرر شد که تمامی درآمدهای نفتی منطقه بی طرف سابق بین دو کشور کویت و عربستان به طور مساوی تقسیم گردد. مطابق ماده ۷ این توافقنامه، خط مرزی تقسیم کننده از خشکی به دریای سرزمینی، جایی که آبهای شمالی آن تحت حاکمیت کویت و آبهای جنوبی آن تحت حاکمیت عربستان قرار می گیرد، امتداد می یابد و به منظور بهره برداری از منابع طبیعی منطقه تقسیم شده تا ۶ مایل دریایی^۱ از بستر دریای مجاور منطقه تقسیم شده می تواند به سرزمین اصلی این منطقه ضمیمه گردد و دو کشور می توانند حقوق حاکمیتی همانند قلمرو سرزمینی خود را بر آبهای سرزمینی مجاور منطقه تقسیم شده اعمال نمایند

بر اساس ماده ۸ توافقنامه مذکور در مورد محدوده فراتر از ۶ مایل دریایی سرزمینی، طرفین متعهد شدند که حقوق همدیگر را در محدوده برون ساحلی فراتر از ۶ مایل دریایی، به منظور بهره برداری مشترک، مادامی که به توافق جدیدی در این مورد برسند، محترم شمارند. بدین ترتیب مشخص می شود عدم تعیین وضعیت حاکمیتی جزایر قاروه و المرادیم و حل نشدن اختلافات دو کشور در این زمینه، موجب گنجانده شدن این ماده در توافقنامه مزبور شده است. در ادامه تلاشها برای تعیین حدود و علامت گذاری خط تقسیم کننده در جریان بود و سرانجام در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۹ توافقنامه تکمیلی در راستای توافقنامه ۱۹۶۵ مبنی بر تعیین حدود

۱ - عربستان سعودی پیش از آن و طی فرمان سلطنتی مورخ ۱۶ فوریه ۱۹۵۸، رژیم ۱۲ مایلی دریای سرزمینی را مصوب نموده بود اما کویت تا آن زمان مدعی محدوده ۶ مایلی بود البته بعد از این توافقنامه و در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۶۷ کویت نیز محدوده دریای سرزمینی خود را به ۱۲ مایل دریایی افزایش داد.

خط مرزی تقسیم کننده منطقه بی طرف و علامت گذاری بین دو کشور در کویت امضا گردید و مبادله رسمی اسناد صورت پذیرفت موافقتنامه مزبور در تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۷۰ در روزنامه رسمی کویت انتشار یافت. ثبت این توافقنامه ها و اسناد در سازمان ملل متحد در تاریخ اول دسامبر ۱۹۹۳ توسط عربستان سعودی صورت گرفته است.

توافقنامه تکمیلی ۱۹۶۹ در ۳ ماده تنظیم شده است بر اساس ماده اول این توافقنامه خط تقسیم کننده منطقه بی طرف همان خط ترسیم شده توسط شرکت نقشه برداری آئروپاسیفیک^۱ است و نقشه ای که به امضای طرفین رسیده است منضم می باشد^۲. نکته مهم اینکه در هیچ یک از توافقات (۱۹۲۲) (۱۹۶۵) و (۱۹۶۹) مربوط به منطقه بی طرف / تقسیم شده بین کویت و عربستان، اشاره ای به وضعیت مالکیت جزایر واقع در آبهای متصل به این منطقه از جمله قاروه و ام المرادیم نشده است. جزایر کوچک و پست قاروه و ام المرادیم که به ترتیب در فاصله ۴۰ و ۲۴ کیلومتری ساحل منطقه تقسیم شده قرار دارند مدت ها مورد اختلاف دو کشور کویت و عربستان سعودی بودند عربستان معتقد بود که این جزایر به عنوان بخشی از منطقه بی طرف سابق که تحت حاکمیت مشترک آنها بوده، می بایست بین آنها تقسیم شود در صورتی که کویت ادعای حاکمیت مطلق بر این جزایر را داشت (Drysdale & Blake, 1994).

نکته مهم در مورد توافقنامه ۱۹۶۵ و توافقنامه تکمیلی ۱۹۶۹، پایه گذاری اصول همکاری و تفاهم و تنظیم مکانیسم هایی در حل اختلافات و همگرایی بیشتر دو کشور و همچنین گشایش فتح باب همکاری دو کشور در زمینه بهره برداری مشترک از منابع طبیعی منطقه تقسیم شده و نواحی برون ساحلی آن بود هر چند حدود محدوده بهره برداری مشترک در منطقه برون ساحلی منطقه تقسیم شده، تا توافق بعدی (توافقنامه مرز دریایی ۲۰۰۰) تعریف نشده باقی ماند. بنابراین می توان گفت پایه اصلی بهره برداری مشترک از منابع برون ساحلی منطقه تقسیم شده در

1- PASCO

۲- در این ماده مختصات جغرافیایی ۵۰ نقطه خط تقسیم کننده در جدولی ذکر شده است نقطه ابتدای این خط با حرف (G) و نقطه پایانی این خط با حرف (H) در غرب منطقه بی طرف سابق و در تلاقی با خط مرزی کویت- عربستان تعیین شده، ۴۸ نقطه دیگر بین دو نقطه فوق از D-1 تا D-48 نام گذاری و مختصات آنها در جدول ذکر شده است.

توافقنامه‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۹ گذاشته شده که در آن زمان مورد اعتراض ایران قرار نگرفته است. در سال ۲۰۰۰ با تعیین خط مرز دریایی کویت و عربستان و اعلام مختصات آن و همچنین اعلام مختصات محدوده بهره‌برداری مشترک، از آنجا که این خط مرزی و محدوده بهره‌برداری مشترک، حقوق ایران را در این بخش از خلیج فارس نقض می‌کرد مورد اعتراض ایران قرار گرفت.

مرز دریایی کویت - عربستان (۲۰۰۰م)

کویت و عربستان موافقتنامه مرز دریایی خود را در ۲ ژوئیه ۲۰۰۰م به امضا رساندند. این توافقنامه شامل ۱۰ ماده و یک ضمیمه می‌باشد. مطابق ماده ۱ این توافقنامه خط تقسیم کننده منطقه حاشیه‌ای غوطه‌ور متصل به منطقه تقسیم شده، که نشان‌دهنده مرز بین دو کشور می‌باشد از نقطه G در ساحل به مختصات جغرافیایی $28^{\circ} 32' 02.488''$ عرض شمالی و $48^{\circ} 25' 59.019''$ طول شرقی آغاز می‌شود و از چهار نقطه با مختصات جغرافیایی زیر می‌گذرد:

جدول ۲) مختصات نقاط مرز دریایی عربستان و کویت

نقطه	طول جغرافیایی (شرقی)	عرض جغرافیایی (شمالی)
G در ساحل	$48^{\circ} 25' 59.019''$	$28^{\circ} 32' 02.488''$
۱	$48^{\circ} 35' 22''$	$28^{\circ} 38' 20''$
۲	$48^{\circ} 39' 50''$	$28^{\circ} 39' 56''$
۳	$48^{\circ} 41' 18''$	$28^{\circ} 41' 49''$
۴	$49^{\circ} 26' 42''$	$28^{\circ} 56' 06''$

بر اساس بند ۲ ماده ۱ این توافقنامه، خط تقسیم کننده آبها و بستر منطقه تقسیم شده از نقطه ۴ در جهت شرق ادامه خواهد یافت و این در صورتی است که گفته می‌شود با توجه به مختصات اعلامی، موقعیت نقطه ۴ نیز از خط میانه خلیج فارس عبور کرده است و مورد اعتراض ایران می‌باشد. مواد ۲ و ۳ و ۴ این توافقنامه محدوده‌های شمالی و جنوبی محدوده توسعه و بهره‌برداری مشترک برون ساحلی منطقه تقسیم شده را مشخص نموده است (UN, 2002).

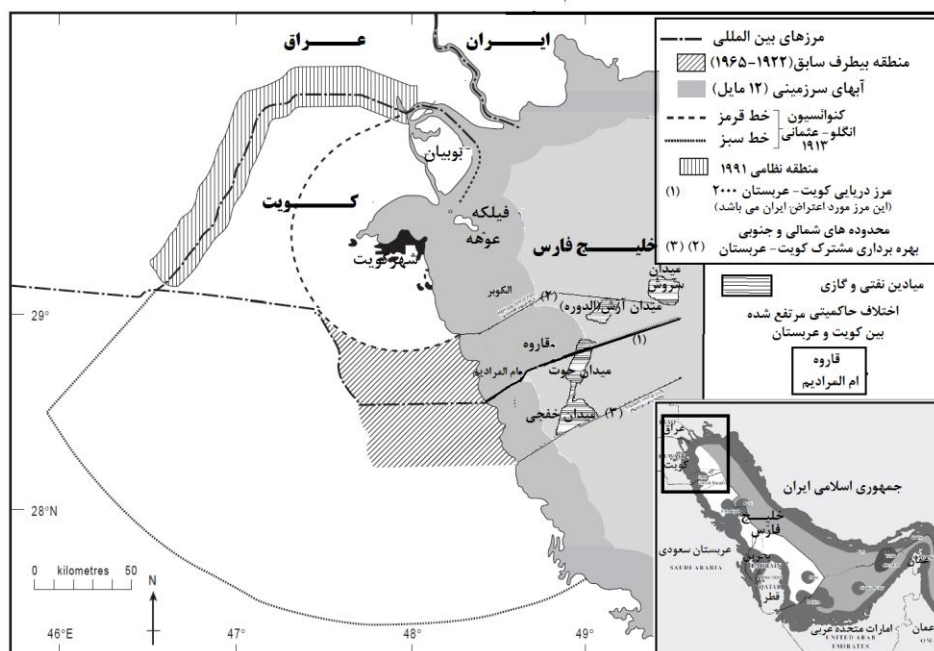
آن‌طور که اسکافیلد و فارنس (۲۰۰۰م) می‌نویسند این توافقنامه اختلافات حاکمیتی بر جزایر را حل و فصل نمود و بر این اساس مالکیت جزایر قاروه و ام‌المرادیم به کویت داده شد ولی از جزایر

در ترسیم خط هم فاصله استفاده نشد. همچنین محدوده‌های شمالی و جنوبی منطقه بهره‌برداری مشترک برون ساحلی منطقه تقسیم شده تعریف و تعیین گردید. بررسی مواد ۲، ۳ و ۴ و ضمیمه ۱ این موافقتنامه نشان می‌دهد که بهره‌برداری از منابع مشترک شامل منابع جزایر قاروه و ام‌المرادیم و حتی منابعی که بین دو خط محدوده شمالی (خط بدون تأثیر مجموعه جزایر فیلکه و خطی که با تأثیر مجموعه جزایر فیلکه ترسیم می‌شود) قرار دارند، خواهد بود. براساس ماده ۶ این موافقتنامه، شرکتی که توسط دو کشور به منظور بررسی و تهیه نقشه از منطقه حاشیه‌ای غوطه‌ور مجاور به منطقه تقسیم شده راه‌اندازی شده است باید مختصات حد شمالی را مطابق با مواد ۲ و ۳ این قرارداد تعیین نموده و نقشه‌های تهیه شده نهایی باید توسط نمایندگان هر دو کشور به امضا رسیده و به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از قرارداد مزبور در نظر گرفته شود.

ماده ۸ این موافقتنامه نیز به حقوق دو کشور در خصوص ماهیگیری مربوط می‌گردد و مقرر می‌دارد که مقامات مسئول دو کشور باید در زمینه اقدامات و ترتیبات مربوط به ماهیگیری تفریحی در منطقه حاشیه‌ای غوطه‌ور متصل به منطقه تقسیم شده به توافق برسند. این موافقتنامه خط مرز دریایی بعلاوه خط حد جنوبی و دو خط حد شمالی محدوده بهره‌برداری مشترک را مشخص نمود ولی این توافقات بدون در نظر گرفتن وضعیت و موافقت کشور مقابل یعنی ایران صورت گرفت چرا که این موافقتنامه نیازمند تعریف و تعیین نقطه سه‌جانبه‌ای است که باید با نظر سه کشور تعیین شود (C. Schofield & Furness, 2000). علاوه بر این دو کشور توافق نموده‌اند تا به نسبت مساوی و مشترک از منابع موجود در منطقه تقسیم شده، دریای سرزمینی مربوط به آن و بسترهای عمیق فراروی آن بهره‌مند گردند و به عبارتی الگوی بهره‌برداری مشترک (کاندومینیوم) را در این زمینه اتخاذ کرده‌اند. این توافق زمینه اختلاف سه‌جانبه‌ای را بین کویت و عربستان سعودی از یک طرف و ایران از طرف دیگر در مورد میدان گازی الدوره [که در ایران به میدان آرش معروف است] در قسمت مرکزی شمال خلیج فارس، فراهم کرده است (Prescott & Schofield, 2005).

متعاقب موافقتنامه ۲۰۰۰م کویت و عربستان، وزارت امور خارجه ایران مراتب اعتراض ایران را نسبت به این توافق و مرز دریایی به اطلاع کشورهای عربستان و کویت رسانده و خواستار اصلاح این موافقتنامه گردید (Nami, 2007). در موجه بودن دلایل اعتراض ایران نسبت به توافق

مزبور، مغایرت برخی از بندهای آن با اصول و قواعد حقوق بین‌المللی و مواد کنوانسیون حقوق دریاها می‌باشد. نقطه ۴ خط مرزی کویت- عربستان و پیش‌بینی پیش روی بیشتر خط مرزی به‌سوی شرق و عبور آن از خط میانه خلیج فارس و همچنین ادعاهای حاکمیت انحصاری بر منابع منطقه‌ای که در آن تحدید حدود مرزها صورت نگرفته است، مغایر با اصول و قواعد حقوقی بین‌المللی و مواد کنوانسیون ۱۹۸۲ می‌باشد که هر دو کشور عربستان و کویت آن را تصویب و به آن ملحق شده‌اند. مطابق بند ۱ ماده (۷۴) کنوانسیون ۱۹۸۲، تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی بین کشورهایی که سواحل مقابل یا مجاور یکدیگر دارند به‌منظور دستیابی به راه‌حلی منصفانه، از طریق توافق بر اساس حقوق بین‌الملل به‌نحوی که در ماده (۳۸) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری آمده است، انجام خواهد شد. همچنین در بند ۳ این ماده مصرح شده است که تا حصول توافق به ترتیب پیش‌بینی شده در بند ۱، دولت‌های ذی‌ربط می‌بایست با روحیه تفاهم و همکاری اهتمام نمایند تا بین خود به ترتیباتی موقتی که ماهیت عملی داشته باشد، دست یابند و در این دوره انتقالی، دستیابی به توافق نهایی را به خطر نیندازند و یا مانعی برای آن ایجاد نکنند. این ترتیبات موقتی به تحدید حدود نهایی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد». شبیه همین موارد در مورد تحدید حدود فلات قاره بین کشورهایی که سواحل مقابل یا مجاور یکدیگر دارند در بندهای ۱ و ۳ ماده (۸۳) کنوانسیون آمده است. علاوه بر آن عبور خط مرزی فوق از خط میانه، خط منصف توافق ایران و بریتانیا (مسئول سیاست خارجی اعراب) در سال ۱۹۶۵ را نیز نقض می‌نماید.



نقشه (۱) منطقه تقسیم شده/بی طرف سابق و قلمروسازی‌ها و مرزبندی های مرتبط با آن

Sources: (Prescott & Schofield, 2005: 648); (Miyoshi, 1999)

موضع ایران عدم قبول مرز دریایی فوق و عدم شناسایی ادعاهای حاکمیتی دو کشور عربستان و کویت در مناطقی که مرز فلات قاره آن تعیین و تحدید نشده است، می‌باشد. در زمینه تحدید حدود مرزهای دریایی نیز ایران خواستار تحدید حدود مرزهای دریایی خود با منطقه تقسیم شده، به صورت جداگانه با کشورهای کویت و عربستان از طریق توافقیهای دوجانبه می‌باشد. هم‌زمان با توافق کویت و عربستان در خصوص مرز دریایی جلوی منطقه تقسیم شده، ایران نیز در سال ۲۰۰۰ م / ۱۳۷۹ اقدام به حفر چاه آرش نمود که متعاقب آن کویت و عربستان به این مسئله اعتراض کردند و البته این مسئله سبب شروع مذاکرات دوجانبه ایران و کویت در دهه ۱۳۸۰ ش/ ۲۰۰۰ م گردید، که شش دوره مذاکرات دو کشور تا سال ۱۳۸۴ به دلایل مختلف به نتیجه نهایی منجر نگشت پس از به نتیجه نرسیدن مذاکرات دوجانبه ایران و کویت بر سر تعیین مرز دریایی، علی‌رغم مخالفت ایران، دو کشور عربستان و کویت در زمینه بهره‌برداری از منابع

میدان آرش که آنها دوره می‌نامند، وارد مذاکره شدند (نگاه کنید به: (Nami, 2007)؛ (Asgari, 2005). پس از آن روند اعتراضات طرفین نسبت به اقدامات یکدیگر بخصوص در زمینه میدان آرش ادامه یافت به طوری که از سال ۲۰۱۱ تاکنون ۲۰۱۷ دو کشور عربستان و کویت اعتراضات و شکایات مشترک خود را در خصوص حضور شناورها و نیروهای ایرانی در مناطقی که به زعم آنها در محدوده حاکمیتی آنها قرار دارد، به ثبت رسانده‌اند. ایران نیز البته تمامی این ادعاها را رد و پاسخ داده است.

اولین اعتراض رسمی مشترک کویت و عربستان در سال ۲۰۱۱، نسبت به اقدام ایران در زمینه عملیات اکتشاف در منطقه‌ای از خلیج فارس صورت گرفته است که بنا بر ادعای آنها امتداد بستر متصل به منطقه تقسیم شده بین عربستان سعودی و کویت محسوب می‌شود. دومین نامه اعتراضی مشترک مربوط به حضور قایق‌های نظامی ایرانی در آبهای منطقه مذکور می‌باشد. دو کشور در این اعتراض تأکید می‌کنند که پادشاهی عربستان سعودی و کشور کویت به تنهایی حق حاکمیت انحصاری کاوش و بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی میدان نفتی دوره و بستر منطقه تقسیم شده را دارا هستند. در ادامه در سال ۲۰۱۲ نیز دو کشور کویت و عربستان نامه‌ای اعتراض آمیز مبنی بر تجاوز کشتی‌های ایرانی و توقف در نزدیکی دکل حفاری شماره ۳۰ را مطرح نموده و مجدداً ادعاهای قبلی خود را تکرار کردند و در سال ۲۰۱۳ نیز همین شکایت و ادعاها را به دبیر کل سازمان ملل ارائه دادند در سال ۲۰۱۵ نیز نمایندگان دائمی کویت و عربستان در سازمان ملل به ثبت اعتراضات خود ادامه دادند و این بار به مطلب نشریه متعلق به شرکت ملی نفت ایران اعتراض نمودند که در توصیف فرصت‌های سرمایه‌گذاری این شرکت، بخشی از میدان نفتی عربستان سعودی و کویت موسوم به دوره را نیز شامل شده است و مجدداً ضمن اعتراض به آنچه تجاوزات مکرر ایران به منطقه برون ساحلی منطقه تقسیم شده قلمداد می‌کردند مواضع قبلی خود را در مورد تحدید مرز دریایی با ایران تکرار نمودند. در سال ۲۰۱۶ نیز نامه‌ای توسط نماینده دائمی عربستان سعودی به دبیر کل سازمان ملل با یک ضمیمه ارائه شد که حاوی اعتراض مشترک دو کشور کویت و عربستان مشخصاً به دو مورد از آنچه که تجاوزات مکرر قایق‌ها و کشتی‌های ایرانی عنوان می‌کنند می‌پردازند در این نامه نیز در ادامه ضمن تأکید بر مالکیت

انحصاری بر میدان الدوره و بستر منطقه تقسیم شده مواضع قبلی خود را در زمینه تحدید حدود مرز دریایی با ایران تکرار نمودند (در زمینه نامه‌های اعتراضی نگاه کنید به: (Sau_kwt, 2011b)؛ (Sau_kwt, 2011a)؛ (UN, 2012)؛ (UN, 2013a)؛ (UN, 2015)؛ (UN, 2016).

ایران نیز در پاسخ با این اعتراضات، در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ جوابیه‌هایی را صادر و ثبت نموده و طی این نامه‌ها ضمن رد اتهامات مبنی بر تجاوز کشتی‌ها و قایق‌های نظامی ایران، مواضع خود را در مورد تحدید حدود مرزهای دریایی و منابع فلات قاره اعلام نموده است که موارد زیر از جمله مهمترین مسائل مطرح شده در این نامه‌هاست: (۱) اشاره به مکاتبات قبلی از جمله یادداشت غیررسمی تاریخ ۷ ژوئن ۲۰۱۲ وزارت امور خارجه ایران خطاب به سفارت کویت در تهران، و تأکید بر این نکته که مذاکرات دوجانبه بین ایران و کویت بر پایه اصل حسن نیت، تنها راه‌حل توافق تحدید حدود مرزهای دریایی بین دو کشور است (۲) تأکید مجدد و یادآوری اعتراض جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۹ به توافق دوجانبه کویت و عربستان سعودی (۲۰۰۰م) و به رسمیت نشناختن آن و اعتراض به مواد ۱ و ۷ موافقتنامه مزبور (۳) عدم به رسمیت شناختن هرگونه ادعای حاکمیتی در زمینه کاوش و بهره‌برداری از منابع بستر دریا و زیر بستر مناطق دریایی بین ایران و همسایگان قبل از تحدید حدود مرزهای دریایی با کشورهای همسایه (۴) تأکید جمهوری اسلامی ایران بر پیگیری سیاست دوستی و همسایگی خوب نسبت به همه کشورهای همسایه و انتظار اجتناب همسایگان از کاربرد مفاهیم و اصطلاحاتی که با اصل حسن نیت ناسازگار است و به تفاهم و اعتماد متقابل لطمه وارد می‌کند (۵) تأکید و یادآوری اصل قاعده بین‌المللی که یک معاهده دوجانبه هیچ تعهدی برای طرف ثالث ایجاد نمی‌کند (۶) تأکید بر آمادگی همیشگی جمهوری اسلامی ایران بر اساس موضع اصولی و پایدار خود، در زمینه مذاکرات دوجانبه جداگانه با دولت‌های کویت و عربستان سعودی، به منظور تحدید حدود مرزهای دریایی خود، با منطقه تقسیم شده (۷) رد ادعاهای بی‌اساس مطرح شده

در مکاتبات کویت و عربستان مبنی بر تجاوز کشتی‌ها و قایق‌های ایرانی^۱ و تأکید بر این مطلب که تمام فعالیت‌ها و گشت‌زنی‌های کشتی‌های جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مطابق با حقوق بین‌الملل دریاها و قوانین جمهوری اسلامی ایران و همچنین با رعایت موازین و مقررات و انجام تعهدات مربوطه می‌باشد. (۸) تأکید بر پیگیری و محفوظ نگه داشتن حقوق خود به‌عنوان یک کشور ساحلی با طولانی‌ترین ساحل در خلیج فارس و تداوم فعالیت‌های خود بر اساس حقوق بین‌المللی دریاها. (در خصوص پاسخ ایران به اعتراضات کشورهای کویت و عربستان نگاه کنید به: (irn_note_25012012_re_sau_kwt.pdf, 2012)؛ (UN, 2013)؛ (irn, 2016)؛ (UN, 2017).

بررسی نامه‌های اعتراضی و جوابیه‌های فوق، مواضع ناهمسان طرف‌های مرتبط با تحدید حدود مرزهای دریایی در جلوی منطقه تقسیم شده را مشخص می‌نماید. ویژگی این شکایت‌نامه‌ها و اعتراضات این است که مشترکاً توسط دو کشور کویت و عربستان صورت می‌گیرد تا تأکیدی بر این مطلب باشد که دو کشور مشترکاً برابر توافقنامه ۲۰۰۰ م در مذاکرات تعیین مرز فلات قاره مقابل منطقه تقسیم شده به‌عنوان یک‌طرف مذاکرات عمل خواهند کرد. این موضع دو کشور کاملاً مغایر با موضع ایران در تحدید حدود مرز دریایی فلات قاره مقابلش است که تمایل دارد به‌طور جداگانه مرز فلات قاره خود را با دو کشور کویت و عربستان سعودی در مقابل پیکره اصلی کویت و منطقه تقسیم شده تعیین و تحدید نماید. همچنین دو کشور کویت و عربستان ادعای حاکمیت انحصاری بر میدان نفتی آرش /الدوره دارند که ایران هیچ‌گونه ادعای مالکیت بر منابع را قبل از تحدید حدود مرزهای دریایی به رسمیت نمی‌شناسد.

در عین حال نقطه اشتراک این نامه‌ها تأکید طرفین بر حل و فصل این مسائل از طریق مذاکره و توافق و فرایند دیپلماسی است. بعلاوه دو کشور کویت و ایران دارای سوابقی پنج دهه‌ای از

۱- در پاسخ به یکی از نامه‌ها و مختصات اعلامی از سوی کویت و عربستان ایران پاسخ می‌دهد که: مختصات جغرافیایی مورد اشاره در مکاتبه فوق‌الذکر، یعنی، ۲۸ درجه ۵۸ دقیقه ۳۶ ثانیه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۶ دقیقه و ۱۶ ثانیه طول شرقی، در موقعیتی قرار دارد که در آن مرزهای منطقه انحصاری اقتصادی بین ایران، عربستان سعودی و کویت تعیین و تحدید نشده است.

گفتگوها و مذاکرات دوجانبه در زمینه تعیین مرزهای دریایی خود هستند که در برخی از این مذاکرات به تفاهمات و نتایج مطلوبی دست یافته‌اند که استفاده از آنها در فرایند مذاکرات آتی می‌تواند راهگشا باشد.

پیشنهاد

در زمینه تکمیل فرایند تحدید حدود مرزهای دریایی شمال خلیج فارس در حال حاضر با توجه به مناسبات حسنه کنونی بین ایران و عراق و تا حدی کویت بهتر است شروع فرایند تحدید حدود مرزهای دریایی با تعیین نقطه سه‌جانبه مرزهای دریایی بین ایران، عراق و کویت و تحدید حدود مرز دریایی ایران و عراق آغاز گردد و سپس مرز دریایی ایران با پیکره اصلی کویت تعیین و تحدید شود. در خصوص تحدید مرز دریایی ایران با منطقه تقسیم شده، همان‌طور که در بالا گفته شد در حال حاضر دیدگاه ایران با کشورهای کویت و عربستان - که طرفهای ذینفع در تحدید حدود مرزهای فلات قاره در جلوی منطقه تقسیم شده به حساب می‌آیند - یکسان و هماهنگ نیست. از طرفی پافشاری و اصرار طرفین بر دیدگاه‌هایشان ضمن اتلاف فرصت‌ها و افزایش تنش و اختلاف و تیره‌تر شدن روابط بین همسایگان، در تعارض با منافع این کشورها و صلح و ثبات و امنیت منطقه خواهد بود. لذا انتظار می‌رود تا دولت‌های ذینفع با حسن نیت و با بهره‌گیری از تجارب جهانی و منطقه‌ای در زمینه حل و فصل اختلافات در زمینه تعیین مرزهای دریایی و منابع و میادین مشترک اقدام نمایند. اتخاذ نظام بهره‌برداری مشترک - که بسیاری از کشورهای جهان و از جمله کشورهای خلیج فارس در موارد مشابه به کار گرفته‌اند - از گزینه‌های پیشنهادی در جلوی منطقه تقسیم شده می‌باشد. از آنجا که بیشترین اختلاف در زمینه تحدید حدود مرزهای فلات قاره با کویت و عربستان در این منطقه به وجود منابع انرژی بر می‌گردد، با تعیین محدوده بهره‌برداری مشترک و تسهیم مناسب نحوه سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری، حساسیت‌ها و اختلافات در زمینه تعیین مرزهای دریایی کاهش یافته و دسترسی به توافق آسان‌تر می‌گردد. اما تعیین محدوده بهره‌برداری مشترک به پیش‌نیازهایی نیازمند است در مرحله اول طرفها می‌بایست بر سر یک خط میانه به توافق برسند که خود نیازمند توافق بر سر نحوه و روش ترسیم خط میانه و همین‌طور

توافق بر سر خطوط مبدأ طرفین است که بر مبنای آنها باید خط میانه ترسیم گردد^۱. در مرحله دوم می‌بایست محدوده شرقی و غربی و شمالی و جنوبی محدوده تعیین گردد و میزان گستردگی آن در دو طرف خط میانه تعیین گردد و بالاخره در مرحله سوم باید نحوه تسهیم سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری کشورها تعیین گردد در این مرحله مسائلی از جمله طول ساحل کشورها و همچنین موقعیت و وضعیت و ظرفیت منابع و میادین انرژی موجود در محدوده بهره‌برداری مشترک می‌تواند در نحوه تسهیم لحاظ گردد^۲. رسیدن به توافق دست‌نیافتنی نیست ولی قبل از هر چیز عزم طرفین و حسن نیت آنها را در رسیدن به یکراه حل منصفانه و عادلانه می‌طلبد.

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

محدوده شمالی خلیج فارس در زمره آن دسته از مناطق دریایی به شمار می‌آید که کمترین توافقات مرزهای دریایی را داشته است. در این محدوده می‌بایست مرزهای دریایی بین ایران و عراق، عراق و کویت، کویت و ایران و ایران و منطقه تقسیم شده تعیین و تحدید شوند همچنین تنها مرز توافق شده دریایی بین کویت و عربستان مورد اعتراض ایران می‌باشد. در این راستا تکمیل فرایند قلمروسازی در این محدوده علاوه بر مرزهای فوق نیازمند توافق بر دو نقطه سه‌جانبه بین (ایران، کویت و عراق) و (ایران، کویت و عربستان) دارد. فرایند قلمروسازی و تحدید مرزها در این منطقه

۱- برای ترسیم خط میانه یا منصف -که با توافق طرفها می‌تواند به عنوان مرز فلات قاره هم در نظر گرفته شود- روشهای زیر به نظر می‌رسد:

۱-۱- روش اول: ترسیم خط میانه بر اساس پذیرش خطوط مبدأ(اعم از خطوط مبدأ مستقیم و عادی)؛

۱-۲- روش دوم: ترسیم خط میانه بر اساس صرفاً خطوط مبدأ عادی (پایین‌ترین حد جزر در ساحل اصلی و بدون در نظر گرفتن اثر جزایر)؛

۱-۳- روش سوم: ترسیم خط میانه بر اساس تلفیقی از دو روش بالا (میانگین اثر خط مبدأ مستقیم و خط مبدأ پست‌ترین حد جزر در ساحل اصلی).

۲- در زمینه چگونگی تسهیم میزان سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری طرفها در محدوده بهره‌برداری مشترک گزینه‌های زیر به نظر می‌رسند:

۳-۱- گزینه اول: تسهیم بر اساس طول سواحل کشورهای ذی‌نفع در مقابل منطقه تقسیم شده؛

۳-۲- گزینه دوم: تسهیم بر اساس موقعیت و وضعیت منابع موجود در محدوده با توجه به خط میانه؛

۳-۳- گزینه سوم: تسهیم بر اساس تلفیقی از دو گزینه فوق (تأثیر طول ساحل و موقعیت و وضعیت منابع).

به دلایل متعددی از جمله وضعیت جغرافیای سیاسی کشورها و واحدهای سیاسی مانند شکل جغرافیایی و محدودیت ساحلی عراق، اختلاف بر سر مالکیت جزایر، منابع هیدروکربنی مورد ادعا و اختلاف، پدیده سیاسی فضایی منطقه تقسیم شده، ناتمام و بی نتیجه باقی مانده است. در این بین تأثیر منطقه بی طرف سابق / تقسیم شده نقش مهمی در عدم افراز مرزهای دریایی به طور مستقیم و غیرمستقیم داشته است و سایر موارد مؤثر در عدم توافق نیز به نوعی با این پدیده مرتبط بودند به عنوان مثال یکی از دلایل عدم افراز فلات قاره عدم توافق در قبول خط مبدأ ادعایی طرف مقابل بود و ایران همیشه در مذاکرات بر اثر صد در صد جزیره خارک به عنوان بخشی از خط مبدأ ایران در تحدید مرز دریایی دو کشور هم در فلات قاره کویت و هم منطقه بی طرف تأکید داشته است که این مسئله در مذاکرات سال ۱۳۴۶ به توافق کویت نرسید و نظر کویت به اثر کامل و صد درصد جزیره خارک در منطقه اختصاصی کویت بود. در طول مذاکرات ایران و کویت طرف ایرانی همواره خواستار مذاکره توأمان در مورد فلات قاره کویت و منطقه بی طرف بود ولی طرف کویتی مصر بر تعیین مرز دریایی فلات قاره اختصاصی کویت بود. همچنین اعتراض عربستان در خلال مذاکرات دهه ۱۹۶۰ کویت و ایران نسبت به محدوده‌های بهره‌برداری ایران و کویت در خلیج فارس به مسائل منطقه بی طرف بر می‌گشت چرا که در آن زمان عربستان مدعی بود که کویت بدون اطلاع این کشور اقدام به اکتشاف در آبهای مجاور منطقه تقسیم شده - که محدوده مشترک محسوب می‌شود - نموده است. مورد اختلافی دیگر، اختلاف بر سر میدان انرژی آرش بین ایران و کویت است در حال حاضر کویت و عربستان ادعای حاکمیت انحصاری بر این میدان که آن را دوره می‌نامند دارند. دلایل اتخاذ این رویکردها از جانب کویت و در حال حاضر کویت و عربستان را باید در مواد توافقنامه‌های تقسیم منطقه بی طرف (۱۹۶۵)، قرارداد تکمیلی (۱۹۶۹) و مرز دریایی (۲۰۰۰) بین کویت و عربستان دانست. در این موافقتنامه‌ها دو کشور در زمینه بهره‌برداری مشترک از منابع خشکی و دریایی مربوط به منطقه تقسیم شده به توافق رسیده‌اند و اختلافات حاکمیتی خود را بر سر جزایر متعلق به این منطقه یعنی قاروه و ام‌المرادیم پایان داده‌اند.

مسائل و اختلافات مربوط به این منطقه اگرچه در ضلع غربی و بین دو کشور همسایه مجاور حل شده است اما فرایند تحدید حدود مرز فلات قاره را در این منطقه با کشور مقابل یعنی ایران

پیچیده‌تر کرده است. بخصوص که اکنون دو کشور کویت و عربستان با توافق بر سر بهره‌برداری مشترک از منابع خشکی و فلات قاره منطقه تقسیم شده به توافق رسیده‌اند و به‌عنوان یک‌طرف واحد عمل می‌کنند، که این مسئله با موضع ایران در زمینه تحدید حدود مرزهای فلات قاره خود با منطقه تقسیم شده در تناقض می‌باشد چرا که ایران تمایل دارد به‌صورت جداگانه با دو کشور عربستان و کویت مرزهای دریایی خود را در مقابل منطقه تقسیم شده تحدید نماید.

مهمترین نتیجه مفاد توافقنامه‌های (۱۹۶۵)، (۱۹۶۹) و (۲۰۰۰) بین کویت و عربستان در تحدید حدود مرزهای فلات قاره منطقه تقسیم شده با ایران، این است که در حال حاضر مدعیان منابع برون ساحلی حدفاصل بین ایران و منطقه تقسیم شده/ بی‌طرف سابق، سه کشور شده‌اند چرا که طبق مواد توافقنامه‌های مزبور دو کشور عربستان و کویت سیاست توسعه و بهره‌برداری مشترک را در دستورکار خود قرار داده‌اند و دو کشور در تعیین حدود مرز فلات قاره -آن‌طور که در ماده ۷ توافقنامه مرز دریایی دو کشور (۲۰۰۰ م) مقرر شده است و همچنین در مکاتبات و اعتراضات رسمی که از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ به ثبت رسانده‌اند- به‌عنوان یک‌طرف مذاکرات اعلام موضع نموده‌اند. در مجموع اگرچه توافقنامه‌های تقسیم منطقه بی‌طرف و توافق مرز دریایی کویت- عربستان فرایند تحدید مرزهای دریایی را در این منطقه با پیچیدگی‌های جدیدی روبه‌رو ساخته است. اما با این وجود از آنجا که طرف‌های مرتبط هنوز بر ابزار گفتگو و توافق و دیپلماسی در تحدید مرزهای دریایی تأکید دارند و سوابقی پنج دهه‌ای از گفتگو و مذاکره بین کویت و ایران در تعیین مرزهای دریایی وجود دارد که با توافقات و تفاهمات خوبی نیز همراه بوده است می‌توان امیدوار بود تا با بهره‌گیری از این ظرفیتها و استفاده از تجارب کشورهای منطقه و جهان در زمینه حل و فصل اختلافات مربوط به منابع مشترک، فرایند قلمروسازی و تحدید حدود مرزهای دریایی در این منطقه به سرانجام مطلوب بینجامد.

۷- قدردانی

این تحقیق در قالب طرح پژوهشی به شماره ابلاغیه ۱۳۹۶/د/۹۳۸۶ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۰۸ و با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه بیرجند انجام شده است که بدین وسیله تشکر و قدردانی می‌شود.

References

1. Al-Mayyal, A. (1986). the Economic Geography of Neutral Territories. Unpublished Ph.D. Thesis, SOAS, University of London.
2. Al-Ulama, H. M. J. S. (1994). The Federal Boundaries of the United Arab Emirates. Query. University of Durham.
3. Alshaikh, A. A. (2001). Saudi Arabia and its Gulf Co-operation Council Neighbours: A Study in International Boundary Management. University of Durham: Department of Geography.
4. Anscombe, F. (2009). The Ottoman Role in the Gulf. In L. G. Potter (Ed.), The Persian Gulf in History (pp. 261–276). New York: PALGRAVE MACMILLAN.
5. Asgari, S. (2005). Delimitation iran- Kuwait maritime boundary; Geopolitics of national interests. Paik- Noor, 5(2), 37–45 [in Persian].
6. Blake, G. H. (1994). MARITIME BOUNDARIES. London and New York: Routledge.
7. Blake, G. H. (2004). MARITIME BOUNDARIES(chapter 3) in: H.D. Smith (ed.), The Oceans: Key Issues in Marine Affairs, 63-76 © 2004 Kluwer Academic Publishers, 15, 63–76. [https://doi.org/10.1016/S0065-2881\(08\)60234-5](https://doi.org/10.1016/S0065-2881(08)60234-5).
8. C.R.S.Kuwait. (1997). Kuwait from Genesis to Crisis, (abdullah yusuf alghanim) (3rd ed.). Kuwait: Center for Research and Studies in Kuwait[in Arabic].
9. Churchill, R., & Lowe, A. (2005). The law of the sea (B.Aghai, Trans.). Tehran:Ganje Danesh Press [in Persian].
10. Dehghani, R. (2009). Continental Shelf Delimitation in the Persian Gulf. The United Nations-Nippon Foundation Fellowship Programme.
11. Drysdle, A., & Blake, G. (1994). The Middle East and North Africa: A political Geography (3rd ed.). Tehran: Foreign Ministry Press.[in Persian].
12. eia. (2013). Kuwait Oil Sector organization Kuwait Petroleum Corporation , Kuwait national oil company , and its subsidiaries controls (Vol. 2013).
13. Glassner, M. A., & deBlij, H. (1973). Systematic Political Geography, (secend). USA: John Wiley and Sons. Inc.
14. Hafez Nia, M. (2002). Political geography of Iran. Tehran: Samt Press.[In Persian] .
15. Hafez Nia, M., & Rabiee, H. (2012a). Persian Gulf and Strategic Role of Strait of Hormoz (2nd ed.). Tehran: Samt Press[in Persian].
16. Hafez Nia, M., & Rabiee, H (2012b). Regional Studies of the Persian Gulf. Tehran: Samt Press [in Persian]
17. irn. reference to the communication dated 23 September 2015, jointly submitted by the Permanent Missions of the State of Kuwait and the Kingdom of Saudi Arabia to the United Nations, 1 § (2016).
18. irn_note_25012012_re_sau_kwt .pdf (2012).

19. Jafari Voldani, A. (2015). Delimitation irans maritime boundaries in the Persian Gulf with emphasis on joint oil and gas fields. *Journal of World Politics*, 4(4), 37–66 [in Persian].
20. Jafari Voldani, A. (2016). Geopolitics of the maritime boundaries of the Persian Gulf. *Journal of Foreign Relations*, 8(1), 89–109 [in Persian].
21. Lacoste, Y. (1988). *Questionse de geopolitique: L' Islam, la mer, l' Afrique* (A. Agahi, Trans.). Tehran: Farhang- e- Eslami Press [in Persian].
22. Lewis, A. M. (1986). The delimitation of maritime boundaries, 5(1), 19–24.
23. Mirhaydar, D., Rasti, O. & Mirahmadi, F. (2013). *The basic themes in political geography*. Tehran: Samt Press [in Persian].
24. Mirheydar, D. (1976). A Note On Territorial sea of Iran. *RCD Magazine*, 3(1), 46–54.
25. Mirheydar, D. (1986). Political Geography of the Seas. *Geographical Researches*, 3(1), 57–76 [in Persian].
26. Mirheydar, D., & Asgari, S. (2004). Geopolitics of Irans Maritime Zone with emphasis on Delimitation Continental Shelf boundaries. *Geographical Researches*, 36(4), 161–176 [in Persian].
27. Mirheydar, D., Gholami, B., & Mirahmadi, F. (2014). Political Geography and International Law of the Sea. *Human Geography Research Quarterly*, 46(2), 360–337 [in Persian].
28. Mirheydar, D., Rasti, O., Soltani, N., Amiri, A., & Eltiami Nia, A. (2007). The trend of territoriality in Persian Gulf. *Journal of Geopolitics*, 3(1), 1–21 [in Persian].
29. Mirhaydar, D. (2015). Developmental stages of the political geography of the seas in modern era. Retrieved January 29, 2018, from <http://newspg.ir>.
30. Miyoshi, M. (1999). *The Joint Development of Offshore Oil and Gas in Relation to Maritime Boundary Delimitation*. (C. Schofield, Ed.) (Vol. 2). Durham: International Boundaries Research Unit Department of Geography University of Durham.
31. Mojtahed-zadeh, P. (2003). *Countries and boundaries in the geopolitical region of Persian Gulf* (H. R. Malek Mohammadi Nouri, Trans.) (5th ed.). Tehran: The Institute of Political and International Studies Press [in Persian].
32. Mojtahed-zadeh, P. (2010). . *Boundary politics and international boundaries of Iran* (H. R. Malek Mohammadi Nouri, Trans.). Tehran: Samt Press [in Persian].
33. Mojtahed-zadeh, P., Ali-Reza, Niknejad, & Salarian, R. (2014). continental shelf issue in iran and its southern neighbors. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 4(4), 161–183.
34. Momtaz, D. (1990). Delimitation the Persian Gulf Continental Shelf. *Journal of Foreign Policy*, 4(1), 565–576 [in Persian].
35. Momtaz, D. (2015). La délimitation du plateau continental du Golfe Persique : une entreprise inachevée. In 'law of the Sea, From Grotius to the International Tribunal for the Law of the Sea (pp. 685–697).
36. Nami, M. H. (2007). *Nautical Border Issues of Iran and Kuwai*. Tehran: National Geographical Organization Publication [in Persian].

37. Peterson, J. E. (2009). Britain and the Gulf At the Periphery of Empire. In L. G. Potter (Ed.), *The Persian Gulf in History* (pp. 277–294). New York.
38. Pishgahifard, Z. (2005). An introduction to political geography of seas with emphasis on Iran's seas. Tehran: University of Tehran Press[in Persian].
39. Pounds, N. J. . (1963). *Political Geography*. New york: Mc Graw raw Hill Book company, Inc.
40. Prescott, V., & Schofield, C. (2005). *The Maritime Political Boundaries of the World*. Retrieved from <http://www.brill.nl/maritime-political-boundaries-world>.
41. Rasti, O., Moradi, E., Ashrafi, A & Eltiamina, R. (2012). (2012). Territoriality of the United Arab Emirates on the Persian Gulf (with emphasis on the new territorialities), 38, *Defense Strategy*, 10(2), 31–71[in Persian].
42. Sau_kwt. (2011a). [sau_kwt_note_dec2011.pdf](#) (b).
43. Sau_kwt. [sau_kwt_note_jan2011.pdf](#) (2011).
44. Sau_kwt. Permanent Mission of Saudi Arabia to the United Nations Permanent Mission of the State of Kuwait to the United Nations The, 16497 § (2015).
45. Schofield, C., & Furness, S. (2000). Border Agreement signed by Kuwait and Saudi Arabia, 8(3), 69–71.
46. UN. Agreement between the Kingdom of Saudi Arabia and the State of Kuwait concerning the submerged area adjacent to the divided zone 2 July 2000, DOALOS/OLA § (2002).
47. UN. Letter dated 21 November 2012 from the Permanent Representatives of Kuwait and Saudi Arabia to the United Nations addressed to the Secretary-General, 61243 General Assembly § (2012).
48. UN. Letter dated 8 January 2013 from the Permanent Representatives of Kuwait and Saudi Arabia to the United Nations addressed to the Secretary-General The, 20721 § (2013).
49. UN. Letter dated 8 September 2016 from the Permanent Representative of Saudi Arabia to the United Nations addressed to the Secretary-General, 15624 § (2016).
50. UN. (2017). Note verbale dated 27 December 2016 from the Permanent Mission of the Islamic Republic of Iran to the United Nations addressed to the Secretary-General, 22353(January).

Official Documents:

51. irn. reference to the communication dated 23 September 2015, jointly submitted by the Permanent Missions of the State of Kuwait and the Kingdom of Saudi Arabia to the United Nations, 1 § (2016).
52. [irn_note_25012012_re_sau_kwt .pdf](#) (2012).
53. Sau_kwt. (2011a). [sau_kwt_note_dec2011.pdf](#) (b).
54. Sau_kwt. Permanent Mission of Saudi Arabia to the United Nations Permanent Mission of the State of Kuwait to the United Nations The, 16497 § (2015)
55. Sau_kwt. [sau_kwt_note_jan2011.pdf](#) (2011).

- 56.Sau_kwt., Agreed Minutes on the survey and delimitation of the Neutral Zone. Signed at Kuwait on 29 March 1961, in: UN, (2001), Treaty Series, VOLUME 1750, No. 30548, PP: 3-39, United Nations, New York.
- 57.Sau_kwt. Agreement between the Kingdom of Saudi Arabia and the State of Kuwait concerning the submerged area adjacent to the divided zone 2 July 2000, DOALOS/OLA § (2002).
- 58.Sau_kwt., Agreement concerning the boundary between Nejd and Kuwait (with map). Signed at Bandar al-Uqair on 2 December 1922, , in: UN, (2001), Treaty Series, VOLUME 1750, No.1083, PP: 531-535,United Nations, New York.
- 59.Sau_kwt., Agreement on the partition of the Neutral Zone. Signed at Taif (Saudi Arabia) on 7 July 1965, in: UN, (2001), Treaty Series, VOLUME 1750, No. 30549, PP: 39-123 United Nations, New York.
- 60.Sau_kwt., Exchange of notes constituting an agreement relating to the above-mentioned Agreed Minutes, concerning the establishment of a commission to survey and delimit the Neutral Zone (with annex). Jeddah, 5 August 1963, in: UN, (2001), Treaty Series, VOLUME 1750, No. 30548, PP: 3-39, United Nations, New York.
- 61.Sau_kwt., Exchange of notes constituting an agreement relating to the above-mentioned Agreed Minutes, concerning the establishment of monitoring posts on the borders of the Neutral Zone. Jeddah, 5 August 1963, , in: UN, (2001), Treaty Series, VOLUME 1750, No. 30548, PP: 3-39, United Nations, New York.
- 62.Sau_kwt., Exchange of notes constituting an agreement relating to the above-mentioned Agreed Minutes, concerning partition of the Neutral Zone. Jeddah, 5 August 1963, , , in: UN, (2001), Treaty Series, VOLUME 1750, No. 30548, PP: 3-39, United Nations, New York.
- 63.Sau_kwt., Supplementary agreement to the above-mentioned Agreement confirming the determination of the boundary line dividing the Saudi-Kuwaiti Neutral Zone (with final report, minutes and map). Signed at Kuwait on 18 December 1969, in: UN, (2001), Treaty Series, VOLUME 1750, No. 30549, PP: 39-123 United Nations, New York.
- 64.UN. (2017). Note verbale dated 27 December 2016 from the Permanent Mission of the Islamic Republic of Iran to the United Nations addressed to the Secretary-General, 22353(January).
- 65.UN. Letter dated 20 February 2013 from the Permanent Representative of the Islamic Republic of Iran to the United Nations addressed to the Secretary-General, 75 § (2013).
- 66.UN. Letter dated 21 November 2012 from the Permanent Representatives of Kuwait and Saudi Arabia to the United Nations addressed to the Secretary-General, 61243 General Assembly § (2012).
- 67.UN. Letter dated 8 January 2013 from the Permanent Representatives of Kuwait and Saudi Arabia to the United Nations addressed to the Secretary-General The, 20721 § (2013).
68. UN. Letter dated 8 September 2016 from the Permanent Representative of Saudi Arabia to the United Nations addressed to the Secretary-General, 15624 § (2016).